

# زمان دست دوم

سویتلانا آکسیویچ

مترجم: شهرام همت زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

## فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۱۵	مقدمه نویسنده.....
۳۵	فصل اول: آرامشی آخرالزمانی.....
۳۷	از هیاهوی خیابان تا گپ و گفت آشپزخانه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱).....
۷۳	ده داستان در جو و فضایی سرخ.....
۷۳	زیبایی دیکتاتوری و راز پروانه‌ای محبوس در سیمان.....
۱۴۱	برادران و خواهران، جلادان و قربانیان و رأی‌دهندگان.....
۱۶۱	نجوا و فریاد... درباره شور و شغف.....
۱۹۱	مارشال تنهای سرخ و سه روز انقلابی فراموش شده.....
۲۵۱	خوبی خاطرات و عمق مفاهیم.....
۲۸۹	تورات و مؤمنانی از جنس دیگر.....
۳۲۵	خشونت آتش و نجات در اوج.....
۳۶۳	حلاوت رنج و درد و سلیقه روح روس.....
۴۰۳	آنگاه که کشتن مخلوق خدا، خدمت به خدا دانسته می‌شود.....
۴۲۳	پرچم کوچک سرخ و لبخند تبر.....

- فصل دوم: جذابیتِ توخالی..... ۴۷۹
- از هیاهوی خیابان تا گپ‌وگفت آشپزخانه‌ای (۲۰۰۲-۲۰۱۲) ... ۴۸۱
- ۱۰ داستان بدون جَو و فضایی خاص..... ۵۰۵
- مارگاریتا و ابوالفضل، رومئو و ژولیتی دیگر..... ۵۰۵
- مردمی که پس از کمونیست، مردم دیگری شدند..... ۵۲۹
- تنهایی یعنی خودِ خوشبختی..... ۵۵۳
- میل به کشتن و ترس از داشتن چنین آرزویی..... ۵۷۵
- پیرزنی با موهای بافته و دختری زیبارو..... ۵۹۹
- غمی ناشناس، ودیعه‌ خدایوند در ورودی خانه‌ شما..... ۶۳۳
- زندگی نکبت‌بار و صد گرم خاکستر نرم در گلدانی سفید..... ۶۵۳
- وسواسی نبودن مردگان و سکوتِ گردوغبار..... ۶۶۹
- تاریکی افسونگری که «زندگی دیگری می‌توان از آن ساخت».. ۶۹۹
- شجاعت و پیامدهایش..... ۷۲۹
- منابع و مآخذ..... ۷۵۳

## از هیاهوی خیابان تا گپ و گفت آشپزخانه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱)<sup>۱</sup>

### ۱. ایوان احمق<sup>۲</sup> و ماهی طلایی

متوجه چه چیزی شدم؟ این که قهرمانان یک دوران به ندرت قهرمانان دوران دیگری می‌شوند. البته این موضوع دربارهٔ *ایوان احمق* و *ایمیلیا*<sup>۳</sup>، قهرمانان داستان‌های روسی، صادق نیست. دربارهٔ داستان‌های ما صدق نمی‌کند، چرا که داستان پیروزی و لحظهٔ موفقیت قهرمانان‌شان هستند. قهرمانانی که در انتظار یاری معجزه‌آسایی هستند تا همه‌چیز خودبه‌خود روبه‌راه شود. کنار اجاق دراز کشیده‌اند و دوست دارند همه‌چیز داشته باشند. خودِ تنور برای‌شان نان بپزد و ماهی طلایی همهٔ آرزوهای‌شان را برآورده کند. مدام دستور می‌دهند که این را می‌خواهم، آن را می‌خواهم، فرشتهٔ مهربان<sup>۴</sup> را می‌خواهم. می‌خواهم شاهانه در کنار رودی مملو از شیر و با ساحلی خوردنی بیاسایم.

---

۱. مصاحبه‌هایی است که با مردم طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ انجام شد. (مترجم)

۲. قهرمان معروف داستان‌های تخیلی کودکان روسی که سعی می‌کند همه مسائل را متمایز از

دیگران انجام دهد و در نهایت هم کارهایش با موفقیت همراه است. (مترجم)

۳. از قهرمانان داستان‌های عامیانه روسی و نماد تنبلی است. ایمیلیان در زبان لاتین فرد سخت‌کوش معنا می‌دهد ولی در ادبیات روسی به‌منظور سُخره بر این شخصیت تنبل نهاده شده است. (مترجم)

۴. از قهرمانان معروف داستان‌های کودکان روسی که به کودکان چگونگی خروج از مشکلات را حتی در بدترین شرایط می‌آموزد و با دلسوزی به افراد نیازمند یاری می‌رساند. (مترجم)

خب البته بیشتر ما هم چنین آرزوهایی داشتیم. روح در تلاش و رنج است. هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌شود زیرا توان چنین کاری را دیگر ندارد و اقدامی انجام نمی‌شود.

روح روسی چقدر اسرارآمیز است... همه سعی دارند آن را درک کنند. آثار داستایوفسکی را می‌خوانند تا بدانند در ورای روح روسی چیست و آن را بشناسند. در ورای روح ما فقط روح است. دوست داریم در آشپزخانه گفت‌وگو کنیم و کتاب بخوانیم. کار اصلی ما کتاب‌خواندن است. تماشای هستیم. افزون بر این حس یگانه و منحصر به فرد خودمان را داریم. اگر چه هیچ مبنایی به جز نفت و گاز برای این حس وجود ندارد. از سویی این مسئله مانعی برابر تغییر زندگی‌مان است و از سوی دیگر حس تفکر و تعمق را در ما تقویت می‌کند. همیشه این باور وجود داشته که روسیه باید چیزی خلق کند و به دنیا اثری متفاوت و خارق‌العاده ارائه دهد. برگزیدهٔ پروردگاریم و مسیر و راه خاصی وجود دارد که آن‌هم روسی است. تا دل‌تان بخواهد آبلاموف<sup>۱</sup> هایی داریم که روی کاناپه دراز می‌کشند و منتظر معجزه هستند. ولی اشتودلتس<sup>۲</sup> نداریم.

۱. قهرمان اصلی رمانی از ایوان گانچیروف که مظهر تنبلی است. تمام روز از روی عادت در خانه روی کاناپه لم‌می‌دهد. آندره می‌کوشد آبلوموف را با زندگی اجتماعی آشنا کند و او را از سستی و خمودگی نجات دهد؛ اما تلاش او بی‌ثمر می‌ماند. عشق الکا هم نمی‌تواند او را از رخوت و سستی درآورد. با بیوه‌ای ازدواج می‌کند و تا آخر عمر خود را به تن‌پروری می‌گذراند که آندری آن را آبلوموفیسم می‌نامد. آبلوموف، هجوی دربارهٔ اشراف قرن نوزدهم روسیه است که زندگی را با تن‌پروری و خمودگی می‌گذرانند. (مترجم)

۲. دوست روسی - آلمانی آبلاموف است که در اثری به همین نام از گانچیروف و نقطهٔ مقابل آبلاموف تن‌پرور است. اشتولتس، اهل کار و تلاش است. در این اثر، کنار آبلوموف بی‌اراده، انسانی پولادین، صاحب اراده و قدرتمند به‌نام آندره ایوانویچ با اشتولتس به‌عنوان دوست حضور دارد. اشتولتس آلمانی‌تبار، تمام لحظه‌هایش را صرف کار، تلاش، تفکر و برنامه‌ریزی می‌کند. هر قدر آبلوموف ترسو و تنبل است و از رویارویی با واقعیات زندگی فرار می‌کند، اشتولتس مدبر و کاری است و هر امری را با شجاعت و تدبیر پیش‌می‌برد. تجربهٔ زندگی همراه با تلاش، استقلال و مسئولیت در نتیجهٔ تربیت سخت‌گیرانه از او فردی مدبر و اثرگذار ساخته که قطب

شتودلتس‌های عمل‌گرا و چالاک تحقیر می‌شوند. چون جنگل‌های درختان توس زیبا و باغ‌های آلبالو را از بین برده‌اند و به‌جای آن‌ها کارخانه ساخته‌اند و درآمدزایی می‌کنند. اشتودلتس‌ها برای ما بیگانه‌اند...»

«آشپزخانهٔ حقیر روسی...، آشپزخانهٔ خروشچفی با ده تا دوازده مترمربع که با دیوارهٔ تیغه‌ای نازک از توالت جدا شده، طرحی از دوران شوروی است. قوطی مایونز روی طاقچهٔ پنجره، با پیازی داخل آن و گلدانی که گل آلوورا برای درمان زکام در آن کاشته شده است. آشپزخانه فقط محل پخت غذا نیست بلکه آشپزخانه، غذاخوری، اتاق کار و تریبون سخنرانی ما است. آشپزخانه، محلی برای گذران دوران معالجهٔ دسته-جمعی امراض روحی و جسمی است.»

در قرن نوزده میلادی خانه‌های اشرافی داعیه‌دار فرهنگ روسی بودند و در قرن بیستم، آشپزخانه‌ها این نقش را ادامه دادند. پروستوریکا<sup>۱</sup> هم در آشپزخانه‌ها شکل گرفت. زندگی شصت‌سالهٔ ما، زندگی آشپزخانه‌ای است. از این بابت باید سپاسگزار خروشچف بود. در زمان او از کامونال‌ها<sup>۲</sup> خارج شدیم و آشپزخانه‌های شخصی شکل گرفتند که در آنجا می‌شد بدون کم‌ترین ترسی به دولت فحش و ناسزا داد. در آشپزخانه‌های شخصی همه خودی بودند. در همین آشپزخانه‌ها ایده‌ها و طرح‌های جالبی پایه‌ریزی شد و لطیفه‌ها شکل گرفت... یکی را تعریف می‌کنم: «می‌گویند کمونیست کسی است که آثار مارکس را خوانده و ضد کمونیست کسی

مخالف آبلوموف است. این دو از کودکی دوست بودند و رفاقتی عمیق بین آن‌ها استوار بود و همواره اشتولتس آبلاموف را یاری می‌کرد. (مترجم)

۱. اصطلاحی روسی (در لغت به معنای بازسازی) که به اصلاحات اقتصادی میخائیل گورباچف، رهبر وقت شوروی در ژوئن ۱۹۸۷ م. گفته می‌شود. (مترجم)

۲. واحدهای آپارتمانی که به طور معمول از یک اتاق با روشویی در گوشه‌ای از آن تشکیل شده بود. در هر طبقه به ازای چند واحد تعدادی توالت، حمام و آشپزخانه عمومی هم ساخته می‌شد. (مترجم)